پرونده ویژهٔ «فرهیختگان» در آستانهٔ آزمون مدارس سمپاد
چرا سمپاد باید بماند و اصلاح و تقویت بشود؟

بمان و بساز

زینب عرزوقی
سردبیر گروه جامعه

تقویم می‌گوید که ۱۶ تا ۲۲ فروردین ماه، هرسال زمان ثبت نام آزمون مدارس سمپاد است. سمپاد، مدارس تیزهوشان یا همان سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در سال ۱۳۵۳ با هدف جذب دانش‌آموزان نمونه و تیزهوش و پرورش استعداد آن‌ها تأسیس شد. از سیاست‌های اولیه این مدارس پذیرش تربیت و پرورش نیروی کارآمد و نخبه برای کشور است. اکنون پس از گذشت چند دهه از تأسیس مدارس تیزهوشان یک پرسش اساسی و جدی مطرح است و آن این است که آیا مدارس سمپاد همچنان براساس سیاست‌گذاری‌ها و اهدافی اولیه خود در حال فعالیت هستند؟ بدون شک سمپاد امروز با چالش‌هایی همراه است اما با توجه به وضعیت مدارس دولتی دریک سو و دریک سوی دیگر رشد فزایج کرامه مدارس غیردولتی و غیرانتفاعی، همچنان باید از ایده سمپاد حیات و حفاظت کرد.

تبارشناسی سمپاد از ابتدای انقلاب تا به امروز

داستان سمپاد از قبل از انقلاب اسلامی شروع می‌شود. از زمانی که وزارت فرهنگ پیش از انقلاب اسلامی تصمیم می‌گیرد برای کودکان خاص، کار خاصی انجام دهد. یک بخش از کار برای دانش‌آموزان استثنایی بود. یک گروه‌نیز گروهی از دانش‌آموزانی بودند که تیزهوش به حساب می‌آمدند. این دانستان در سال‌های ۵۳ الی ۵۵ شروع می‌شود و دنبال چند مدرسه در چند نقطه خاصی از کشور فعالیت می‌کنند مثلا‌ً در تهران، کرمان و تبریز. انقلاب اسلامی پیروز می‌شود و به این دلیل که تحصیل کرده‌های خارج از کشور ایده‌ای را می‌آوردند که بودند، در ابتدا نگاه مثبتی در اوایل انقلاب به مدارس سمپاد نبود؛ اما به هر حال مدارس تیزهوشان در حال فعالیت بودند.

مدیران امروز سمپاد وارثت می‌کنند که پس از انقلاب هر ساله بحث بر سر بود و نبود آن‌ها مطرح بود. تا اینکه دفاع از تحصیلات مدرسه حلی ا تصمیم می‌گیرند که جمعت الاسلام جواد اژه‌ای را دعوت کنند. آقای اژه‌ای در آن زمان معاون فرهنگی نخست‌وزیر در دوره‌ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری بود. بعد ها اوبه‌پدر معنوی سمپاد نیز معروف می‌شود. آقای اژه‌ای که وارد مدرسه می‌شود، یک نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی در آن روز دایر بود. این نمایشگاه همچنان بین سمپادی‌ها یادبرخاست. در آنجا آقای اژه‌ای سیستم دانش‌آموزان مدارس دولتی را بررسی می‌کند. در آن دوره‌ایده تمام دانش‌آموزان سمپاد، تحصیل کنندگان روحانی بودند. مرحوم آقای رباست پی‌ا اینکه به‌نهادریاست‌جمهوری نیاز می‌کردند، تأکید می‌کند که مدارس تیزهوشان باید باقی بمانند و حفظ شوند. همچنین اعلام می‌کند که شخص او علاقه‌مند است برای کار مدارس تیزهوشان باشد. ۱۴ اردیبهشت سال ۶۷ و ۶۸ بود که سمپاد در جلسه ریاست‌جمهوری تصویب می‌شود. بعد از فوت امام هم آقای اژه‌ای از سیاسر فعالیت‌هایش کناره‌گیری می‌کند و مسئول مدارس سمپاد می‌شود. به واسطه نفوذی که آقای اژه‌ای داشت، حتی در پرهه‌هایی مدارس سمپاد جدا از آموزش و پرورش معلم استخدام می‌کند. اما این استخدام‌ها این‌نامه نداشت. یعنی نازمان حضور آقای اژه‌ای که همین سال ۸۸ بود، سمپاد هیچ این‌نامه و بخشنامه‌ای نداشت. اینکه تا سال ۸۸ آقای اژه‌ای مسئول سمپاد باشد، پس از آن سمپاد چندین مدیر به خود دید و فراز و نشیب‌هایی داشت. بعد از آقای اژه‌ای، سازمان به مرکز تبدیل می‌شود. یعنی نزدیک پیدا می‌کند و بعد هم دوباره از اواخر دولت آقای رئیسی بحث سازمان شدنش مطرح و دوباره به سازمان تبدیل می‌شود.

جداسازی، ایزوله کردن یا پرورش استعدادهای درخشان؟

بحث اصلی درباره سمپاد این است که طرفداران سمپاد استدلال می‌کنند که ما تعدادی دانش‌آموز تیزهوش داریم که باید بالا ها متفاوت کنیم. زمانی که قرار بود آقای اژه‌ای کنار گذاشته شود، دوروز از فروزش سال‌های گذشته به هر حال مخالف سرسخت سمپاد بود و نه‌بود این دلیل که نمی‌توانستند سمپاد را به طور کلی حذف کنند، آنقدر مدارس سمپاد را زیاد می‌کنند که عملاً سمپاد باید یا‌ی مدارس دولتی تفاوتی نداشته باشد. یعنی یک زارهای تضعیف کردن سمپاد در سال‌های اخیر، زیاد شدن صندوق‌ها نمی‌توان از ورزای آزمون ورود پرورش بود که به قدری گسترده این مدارس و دانش‌آموزان زیاد شود تا دیگر تفاوت واقعی و جدی با سایر مدارس و دانش‌آموزان نداشته باشند.

دفاع سمپاد این بود که بچه‌های تیزهوش را از سایر دانش‌آموزان جدا کنند تا برای مملکت و کشور به کار بیایند و خدمتی به این مملکت داشته باشند. اما چه اتفاقی در این جداسازی اتفاق افتاد؟ باید پذیرفت طرفش آموزش دانش‌آموزان سمپادی بسیار بالاست. اما در سایر طرف‌ها وضعیت ضعیف یا معمولی دارند. اتفاقی که در این میان می‌افتد و علت مخالفت واقعی آن دو وزیر است، این بود که به گفته برخی منابع، مدیران سمپادی، مدارس سمپاد آمار خودکشی‌شان از باقی مدارس بالاتر است. در مدارس سمپاد میزان افسردگی‌شان و پرونده‌های نامداشان از تمام مدارس دیگر بالاتر است و مشکلات اجتماعی در مدارس سمپاد بسیار بالاتر است. در یک سمت ماجرا‌یی از طرح شهاب در آموزش و پرورش جلو می‌آید. طرح شهاب، شناسایی و هدایت استعدادهای برتر بود. این طرح هم چندباری مورد توجه رهبر انقلاب قرار گرفت. سال‌های اولی که شهاب اجرا می‌شد، قرار این بود که این طرح مبتنی بر هوش‌های چندگانه باشد.

نکته این است که تیزهوشان در سال‌های گذشته تنها هوش ریاضی را در نظر می‌گرفت. یعنی در آزمون ورودی تیزهوشان دانش‌آموزی موفق می‌شود که به این ریاضی مسلط باشد. اگر به ریاضی مسلط نباشد، قطعاً نمی‌تواند آزمون ورودی را شرکت سر بگذارد. همچنین اکنون در مدارس سمپاد، خصوصاً مدارس مراکز استان اگر دانش‌آموز دوره ابتدایی خود را در مدارس سمپاد نبوده؛ اما به هر حال مدارس نمی‌تواند به راحتی در سمپادقبول شود. یعنی بیشتر از ۹۰ درصد از دانش‌آموزانی که الان در مدارس سمپاد قبول می‌شوند، مدارس غیردولتی تحصیل کرده‌اند و درصد کمی در دولتی های درجه یک، تحصیل کرده‌اند.

اخذ شهریه‌های چند میلیونی در مدارس سمپاد آفت یا ظرفیت؟

طبق قانون، ۵۰ درصد شهریه مدارس غیردولتی میزان شهریه مدارس سمپاد است. یعنی اکنون اگر یک مدرسه دولتی، مصوب شهریه‌اش ۵۰ میلیون باشد ۵۰ درصد آن ۲۵ میلیون است و شهریه مدرسه سمپاد باید ۲۵ میلیون باشد. براساس اطلاع خبرنگار «فرهیختگان»، شهریه مدرسه در تهران تا ۶۰ میلیون تومان است. یعنی مدرسه حلی ا دوره دوم ۶۰ میلیون شهریه می‌گیرد و حلی ا دوره اول نزدیک ۳۰ میلیون شهریه‌اش است. اما در مراکز استان‌ها این ماجرا عوض نمی‌شود. مثلاً در اصفهان دوره‌دوم ۱۲ میلیون تومان است. نه به خاطر اینکه طبق مصوبه، ۱۲ میلیون می‌شود. بلکه بیش از این رقم شهریه در اصفهان دیگر مرسوم نیست.

در تهران معمولاً اغلب نیروهای سمپاد، نیروهای آزادنه‌ای و در استان‌های مدارس اغلب همه دولتی‌اند و تعداد بسیار کمی نیروی آزاد دارد. یعنی بخش عمده‌آن که در تهران مجوزند ولی شهریه بیشتری بگیرند، به این دلیل است که نیروهایشان مانند مدارس غیردولتی آزادند. در این میان ناگفته نماند که از معدود مجموعه‌هایی که در آموزش و پرورش می‌تواند نیروی آزاد بگیرد، سمپاد است. این امر در تمام زمینه‌ها تفاوت ایجاد می‌کند. در کیفیت آموزش نیز قطعاً تفاوت ایجاد می‌شود. یعنی شما در نیروهای دولتی دستتان بسته است ولی در نیروهای آزاد دستتان بازتر است. همین امر در خود سمپاد نیز موجب طبقاتی شدن آموزش و کیفیت آموزش می‌شود. هیچ‌وقت نمی‌توان مدرسه تیزهوشان حلی ا تهران را با مدرسه خوب ۱۰ تهران مقایسه کرد. یا مثلاً مدرسه شهید اژه‌ای ا اصفهان را نمی‌توانید با مدرسه اژه‌ای ۳ مقایسه کنید.

چرا برچسب تیزهوش برای برخی دانش‌آموزان گران تمام می‌شود؟

در وزارت وزرای پیشین آموزش و پرورش، تعداد مدارس سمپاد افزایش پیدا کرد. اینکه در این میان ناگفته نماند که اکنون نیز برخی نمایندگان مجلس، برای اینکه ماجرای افزایش سمپاد یک پیروزی برایشان تلقی شود، سمپاد را در شهرهایشان تأسیس می‌کنند. در صورتی که تأسیس یک مدرسه سمپاد، مثلاً در شهرستان‌هایی با جمعیت ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار نفره موجب از بین رفتن مدارس خوب دولتی می‌شود. یعنی وقتی یک مدرسه سمپاد تأسیس می‌شود، دو مدرسه دولتی خوب آن شهرستان از بین می‌رود.

هر شهرستان مثلاً دو مدرسه دولتی خوب دارد. وقتی در یک شهرستان مدرسه سمپاد تأسیس می‌شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ بالاخره آن شهرستان، شاید در مجموع ۲۰ دانش‌آموز تیزهوش واقعی داشته باشد. وقتی ۲ کلاس پر نشود، مجبور است تعداد دیگری هم دانش‌آموز بگیرد. به همین دلیل کلاس ۸۰ نفره می‌شود و درنهایت احتمال دارد تعدادی دانش‌آموز بگیرد که تیزهوش نیستند. چراکه می‌خواهند ظرفیت کلاس را پر کنند؛ این از یک جنبه کار. اینکه به تعدادی از دانش‌آموزان در آن مدرسه به هر حال برچسب تیزهوشی زده شده است و این دانش‌آموزان هم وارد یک کلاس می‌شوند که تیزهوش‌اند. در صورتی که نیستند.

از یک طرف نیز دبیران هم همان دبیران مدارس دولتی هستند. این اسم خوردن، آثار و تبعات اجتماعی بسیار بدی دارد. برچسب‌هایی که امکان دارد به اشتباه به برخی دانش‌آموزان زده شود، آن‌ها را در فضای رقابتی بیش از حد ظرفیت و توان روحی و جسمی شان قرار دهد و همین مسئله خود به تنهایی به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های سمپاد در آموزش و پرورش تبدیل شده است. ما امروزه در آموزش و پرورش شاهد شکاف طبقاتی شدیدی هستیم که تبعات اجتماعی بسیار بالایی دارد و در آینده نیز قطعاً در جامعه اثرگذار است.

همچنین از چالش‌های دیگر سمپاد با توجه به پرورش استعدادهای درخشان دانش‌آموزان؛ فشار خانواده‌ها برای تحصیل فرزندانشان در مدارس تیزهوشان است. بخش عمده‌ای از خانواده‌هایی که سمت سمپاد می‌آیند، بیشتر به‌خاطر مهاجرت است. آنکه پذیرش می‌گیرد که در دانشگاه‌ها و مدارس خارج از کشور صورت می‌گیرد. فردوقتی می‌خواهد اکسیت کند معمولاً از او می‌پرسند که آیا او شما فارغ‌التحصیل سمپاد در دوره‌ها و مدارس خارج از کشور هستید؟ یعنی اگر شما فارغ‌التحصیل سمپاد باشید، به طرفینی برای لابی‌نوسازی و نخبه‌پروری برای کشورهای خارجی تبدیل شود و مدیران ملی باید جدای جدی برای وطن‌دوستی دانش‌آموزان سمپادی بیندیشند.

ادامه در صفحه ۱۵

رئیس سازمان ملی استعدادهای درخشان:

آماری از تعداد مهاجرت سمپادی‌ها نداریم

شناسایی سمپاد و بررسی چالش‌های آن از مسئولی که در مقام مدیریت این مجموعه مدارس قرار دارد، مسئله مهمی است. الهام پاوری، دانش‌آموخته فرزانگان اصفهان و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس، مدتی است رئیس سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان است. در این گفت‌وگوی تفصیلی مسعی شده تا نگاه وی به مدارس سمپاد را بررسی کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا سمپاد با عدالت آموزشی همخوانی دارد یا خیر؟

شما هم فارغ‌التحصیل سمپادید و هم مدتی است درأس کار قرار گرفته‌اید. تعریف و دیدگاه شما درباره سمپاد و همچنان که به دلیل مهاجرت‌های بسیار بر آن وارد شده چیست؟ از نظر شما آیا مدارس سمپاد همچنان با سیاست‌های اولیه‌اش تطابق دارد یا از آن دور شده است؟

ما شمار و چشم‌اندازی داریم که سمی کرده‌ایم در این مدارس چکیده‌ای از آن را پیاده کنیم و آن این است که «هر سمپادی در نیاز کشور، آماده اثرگذاری». در سال‌های دورتر در سمپاد به‌دنبال پرورش دانشمند و کسانی بودیم که مرزهای علم را جابه‌جا کنند؛ اما امروزه معتقدیم این تهیه یک مورد از اثرگذاری‌ها بوده و برای شکوفایی کامل یک تمدن، نیازمند افراد تأثیرگذار در حوزه‌های مختلفیم. در همین راستا مدل ۱۲ مؤلفه‌ای اثرگذاری داریم که مسیر آن به‌صورت گفتمان‌سازی، نظام‌سازی، فرهنگ‌سازی و موارد دیگری است که حوزه‌های اثرگذاری مختلف را شامل می‌شود و هدف سمپاد را درنهایت این‌گونه تعیین کرده‌ایم که بتواند این افراد اثرگذار را از بین دانش‌آموزان خوش استعداد کشور تأمین کند.

با توجه به اینکه از فارغ‌التحصیلان دوره‌های اولیه سمپاد بوده‌اید، بگویید سمپاد قدیم و سمپاد جدید چقدر تفاوت دارد؟ آیا همچنان بر ریل سیاست‌گذاری‌های اولیه‌اش حرکت می‌کند؟

به طورکلی سمپاد بهصورت تاریخی سه مسئولیت داشته است؛ یک، رفع نیازهای روان‌شناسانه دانش‌آموزان سمپاد. دانش‌آموزان سمپاد هم مانند تمام افرادی که ضریب هوشی بالایی دارند و در نیاز مطالعات مختلفی قرار گرفته‌اند، نسبت به بدنه استعدادی کشور نیازهای متفاوتی دارند، برای مثال کمال‌گرانند و نیاز است کسی این مسئله را کنترل کند و بازخوردهای متناسب به آن‌ها بدهد. نیاز است احساس تنهایی یا غور کاذبشان نسبت به دیگرانی که در مدرسه درکنار آنها حضور دارند، مهار شود. نیاز است مهارت‌های ارتباطی‌شان بیشتر تقویت شود و مورد دیگر.

همچنین از چالش‌های دیگر سمپاد با توجه به پرورش استعدادهای درخشان دانش‌آموزان؛ فشار خانواده‌ها برای تحصیل فرزندانشان در مدارس تیزهوشان است. بخش عمده‌ای از خانواده‌هایی که سمت سمپاد می‌آیند، بیشتر به‌خاطر مهاجرت است. آنکه پذیرش می‌گیرد که در دانشگاه‌ها و مدارس خارج از کشور صورت می‌گیرد. فردوقتی می‌خواهد اکسیت کند معمولاً از او می‌پرسند که آیا او شما فارغ‌التحصیل سمپاد در دوره‌ها و مدارس خارج از کشور هستید؟ یعنی اگر شما فارغ‌التحصیل سمپاد باشید، به طرفینی برای لابی‌نوسازی و نخبه‌پروری برای کشورهای خارجی تبدیل شود و مدیران ملی باید جدای جدی برای وطن‌دوستی دانش‌آموزان سمپادی بیندیشند.

پس هیچ آمار مشخصی درباره مهاجرت فارغ‌التحصیلان سمپاد ندارید؟

خیر. آماری که موجود است مربوط به بنیاد ملی نخبگان است.

در پاسخ‌های قبلی گفتید که سمپاد را در راستای مسیر عدالت آموزشی می‌بینید. در این باره بیشتر توضیح دهید.

در جامعه‌ای که هزینه‌های قبالا توجهی برای رسیدن به قله‌های آموزش وجود دارد، بچه‌هایی که امکان ورود داشتن چنین هزینه‌هایی را ندارند دسترسی به این قله‌ها را بیشتر غیرممکن خواهد بود. سمپاد در این راستا محیط و بستر آموزشی کم‌هزینه‌ای برای آنها ایجاد می‌کند تا آن‌ها هم فرصت را داشته باشند. به‌هرحال هزینه‌های سمپاد با مدارس غیرانتفاعی مطرح و طراز اول، دیگر اصلاً قابل‌مقایسه نیست و بسیار پایین‌تر است. نتایج به‌وضوح نشان می‌دهد، با استفاده از همین بستر افراد بسیاری از خانواده‌های معمولی و شهرهای کوچک می‌توانند در این رقابت به موفقیت برسند. به نظر من همین که بسیاری از این بچه‌ها برای موفقیت از مسیر سمپاد عبور کرده‌اند، نشان می‌دهد تفاوت معناداری وجود دارد.

در کلیت تعریف عدالت آموزشی، نسبت سمپاد با مدارس دولتی مناطق محروم چگونه است؟

ما در سمپاد به بخش از عدالت آموزشی را تعریف می‌کنیم؛ بخش اول، عدالت در پذیرش است، یعنی باید تمام تلاشمان را در کار بگیریم تا دهک‌های کمبر خودرا از اقتصادی - اجتماعی نیز متناسب با جمعیتشان صندلی‌های خوبی را در سمپاد داشته باشند برای این کار تلاش‌های متعددی صورت گرفته، برای مثال ما از هیئت دولت مصوبه‌ای داریم که دهک‌های یک تا چهار باید از شهریه معاف شوند. البته دشواری‌هایی نیز دارد اما آن‌شاءالله عملیاتی می‌شود. همین مسئله بر ورود این بچه‌ها به مدارس سمپاد اثر مثبت می‌گذارد. مورد دیگر اینکه با توجه به طراحی‌هایی که در آزمون ورودی سمپاد انجام داده‌ایم، سال گذشته ورود بچه‌هایی از دهک‌های یک تا چهار حدود ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد که این نشان می‌دهد ما در جهت عدالت در پذیرش در حرکتیم. بخش دوم: عدالت در ارائه خدمات بوده که تلاش ما این است تفاوت بین خدمات آموزشی در مدارس کلانشهرها با شهرهای کوچک‌تر را کم کنیم و سطح اختلاف خلاق‌ترین‌های کشور را به حداقل برسانیم. بخش سوم عدالت در خدمات‌به بچه‌های با استعدادی است که اصلاً دانش‌آموز سمپاد نیستند. ما بچه‌های بااستعداد و توانمند بسیاری داریم که به در دلیلی وارد سمپاد نشده‌اند. نیاز است به این بچه‌ها نیز خدماتی ارائه شود. البته طبیعتاً متأسب با امکانات و بودجه سازمان؛ برای این بچه‌ها بخش‌هایی داریم به نام «سمپاد فراگیر» که کارشوی‌هایی ترتیب داده می‌شود و کل محتوای دوره اول به‌صورت منضبط‌شده در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. بخش دیگری در دست‌خوان همیاران سمپاد که با کمک معلمان طبق شاگردی که و وجود دارد، در همه‌جای ایران بوده؟ سمپادی بودن یا نبودن برای مدارس و دانشگاه‌های خارج از کشور در پذیرش بسیار مهم است. اگر سمپادی باشد، بسیار راحت پذیرش می‌گیرد.

با توجه به اینکه از فارغ‌التحصیلان سمپاد در کشور حضور دارند و مابقی مهاجرت کرده‌اند، البته این مهاجرت نخبگان یک پدیده جهانی است و تنها مسئله ایران نیست و به نظرم دیدگاه شما درباره این مسئله اثرگذاری هزینه سنگین بپردازد. یعنی اینه کلی سمپاد که همان حمایت از دانش‌آموزان استعداد درخشان در مدارس دولتی است، هنوز پس و از گذشت سال‌ها یک ایده قابل دفاع است.

با توجه‌به‌توان آموزش و پرورش اما مدارس تیزهوشان نیز پولی شده همین پولی شدن تحصیل در مدارس تیزهوشان به یکی از آفت‌های سمپاد تبدیل شده است. از اصلی‌ترین آفت‌هایی مدارس غیرانتفاعی که با عدالت آموزشی همخوانی ندارد، اقتصادی شدن آموزش است. یعنی همان ایده و اصل شعار مدارس غیرانتفاعی که «هر کس توان مالی بیشتری دارد، از آموزش باکیفیت‌تری برخوردار خواهد بود.» نباید در مدارس سمپاد اجرا شود. چراکه در آن صورت به ضد ایده خود بدل خواهند شد؛ و آخرین امید تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان نیز برای تحصیل در مدارس باکیفیت، از دست خواهد رفت. بنابراین مدیران کلان آموزش کشور برای دور ماندن سمپاد از پولی شدن، باید به تقویت سایر ظرفیت‌های آن توجه کنند.

همچنین بخش عمده‌نبود آمار مشخص از مهاجرت دانش‌آموزان سمپادی‌ها وقتیت تلخ دیگری که درباره سمپاد وجود دارد، مهاجرت دانش‌آموزان سمپادی به خارج کشور است. از آفت‌های دیگر و جنبه‌های قابل نقد مدارس سمپاد، مهاجرت فارغ‌التحصیلان سمپادی است. شاید این جنبه از سمپاد به کیفیت مشکل تحصیل دانش‌آموزان بی‌ارتباط است و لازمه تقویت عرق ملی دانش‌آموزان سمپادی و توجه در ایران تعریف است. در نهایت سمپاد نباید به ظرفیتی برای لابی‌نوسازی و نخبه‌پروری برای کشورهای خارجی تبدیل شود و مدیران ملی باید جدای جدی برای وطن‌دوستی دانش‌آموزان سمپادی بیندیشند